

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نپاشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

نویسنده: نیل بووی

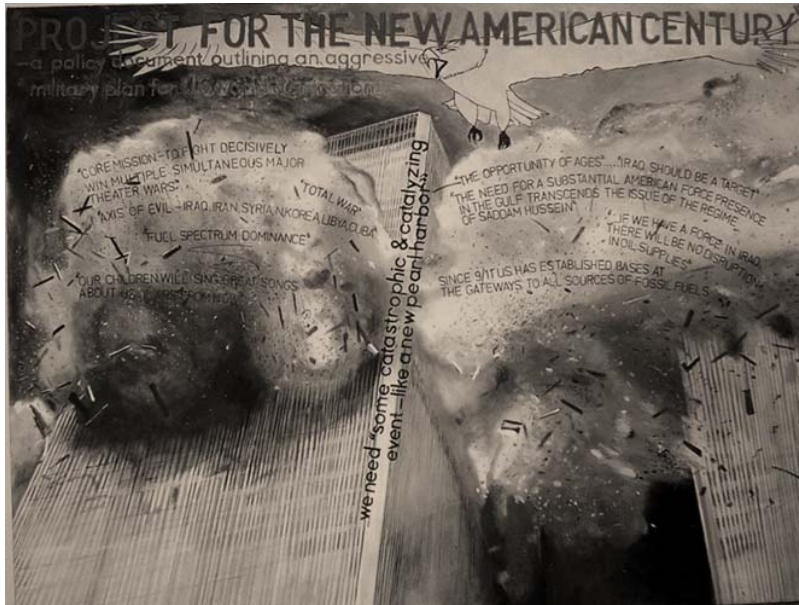
برگردان از: حمید محوی

۱۷ مارچ ۲۰۱۲

طرحی برای قرن جدید امریکائی

به گفته ژنرال ولسی کلارک بی ثبات سازی سیاسی و جنگ منطقه ئی در سال ۲۰۰۷ توسط اعضای «پناس» (۱) (طرحی برای قرن جدید امریکائی) طرح ریزی شده بود.





PROJET FOR THE NEW AMERICAN CENTURY



و این هم شش جنایت کار.

آهای، با این شتاب روی بر نگردانید.

برای برکشیدن نقاب از چهره آنها، می بایستی معادل پنجاه شهر و تمامی یک نسل را می پرداختیم.

(گاهنامه هنر و مبارزه : به نقل از برتولت برشت در کتاب الفبای جنگ)



در هرج و مرج تیر توپخانه در حمص و دمشق و محاصره فعلی دولت بعثی بشار الاسد، گوئی رویدادها به آن چه در قرن پیش به وقوع پیوسته شباهت زیادی دارد. در قرن پیش، دولت فرانسه برای بر پا نگهداشتن تحت حمایتی سوریه، و برای سرکوب انهایی که در پی الغای قرارداد تحت حمایتی فرانسه بودند، سربازان بیگانه را به خدمت می گرفت. و در حالی که نخست وزیر اسبق فاریس ال- خوری به سال ۱۹۴۵ در سازمان ملل متحد از استقلال سوریه حرف می زد، هواپیماهای بمب افکن فرانسوی در پی به زانو درآوردن دمشق بودند. امروز، همان دولت، در کنار ایالات متحده و رژیم های ماهواره ئی مانند لیبیا و تونس با مسرت شورای ملی سوریه را به عنوان دولت قانونی کشور به رسمیت شناخته است. با وجود این که سرشماری اخیر که توسط بنیاد قطری تأمین مالی شده بود، نشان داد که ۵۵ درصد از مردم سوریه از رژیم بشار الاسد طرفداری می کنند، قدرت های قدیمی استعماری اصول دموکراتیکی را که از آن حرف می زنند، زیر پا می گذارند.

طرح قرن جدید امریکائی



با تحقیر افکار عمومی نزد مردم سوریه، سرنوشت آنها از مدت ها پیش توسط نیروهائی که در خارج از مرزهای کشورشان بودند تعیین شده بود. ژنرال بازنشسته امریکائی، وسلی کلارک طی سخنرانی در اتحادیه کالیفرنیا در

سال ۲۰۰۷ به طرح سیاسی از سوی اعضای گروه «طرحی برای قرن جدید امریکائی» اشاراتی داشت. کلارک از پرونده ای سرّی در کابینه وزارت دفاع در سال ۲۰۰۱ یاد کرد که در آن طرح بازسازی کلی خاورمیانه و افریقای شمالی پیش بینی شده بود.

این پرونده به شکل رسمی از تدارکاتی پرده برداشت که بی ثبات سازی سازمان یافته و دائمی دولت های عراق، سومالی، سودان، لیبیا، لبنان، سوریه و ایران را هدف خود قرار داده بود. تدارکات اما، پیش از همه شامل صحنه پردازی های آشنا و شناخته شده بوده که روی صحنه، رژیم دیکتاتوری را در حال سرکوب افکار مخالفان و حذف بخش مهمی از مردم نشان می دهد...

سوریه روی صفحه شطرنجی که بزرگترین قدرت ها روی آن بازی می کنند، یک مهره بیشتر نیست. جبهه ناتو به رهبری ایالات متحده و با همکاری رژیم های سلطنتی و فئودال در خلیج فارس که در اتحادیه همکاریهای خلیج گرد هم آمده اند منافع غیر قابل انکاری در تعویض رژیم دارند. با تمرکز روی چنین طرح هائی از رسانه هائی که در اختیار قطر است، مانند الجزیره، استفاده می کنند، تا گزارشات را به اساس تعبیر خودشان در سطح جهانی منتشر سازند، و از سوی دیگر گروه های افراطی مناطقی سنی را علیه رهبریت بشار الاسد که به اقلیت شیعه علوی تعلق دارد، مسلح می کنند. در سال ۲۰۰۵، دولت بوش تأمین مالی گروه های مخالف رژیم سوریه را به عهده گرفت که طرفدار اخوان المسلمین و خواهان ایجاد یک رژیم اسلامی به تعبیر اهل سنت بودند. از مدت ها پیش، این گروه از مخالفان، اهل شیعه علوی را از خوارج (خارج از دین) دانسته و در سال های ۱۹۶۰ چندین بار دست به شورش زدند.

با مسلح ساختن گروه های سنی مذهب افراطی و با به میدان آوردن سلفی های جهاد طلب عراق و سربازان مزدور لیبیا، ناتو و اتحادیه همکاریهای خلیج می خواهند بشار الاسد را سرنگون ساخته، و از جبهه مخالفان در تبعید فرد بی اعتباری مانند برهان غلیون (رئیس شورای ملی سوریه) را در رأس رژیم جدید، جایگزین او سازند.

ناتو، اتحادیه همکاری های خلیج و القاعده



الگوی اخیر سیاست خارجی تحمیل شده با مسلح ساختن مبارزان القاعده در لیبیا نشان داد که تا چه اندازه می تواند مصیبت بار باشد زیرا در حال حاضر قدرت از شورای ملی موقت لیبیا با حمایت ناتو به صدها شبه نظامی منتقل گردیده که به جنگ های چریکی می پردازند.

در ملاقات بین وزیر امور خارجه ترکیه احمد داوود اغلو و هیلری کلینتن، احمد داووداغلو به او اطمینان داد که در خارج از چهار چوب شورای امنیت در سازمان ملل متحد، امکاناتی را برای فشار روی بشار الاسد فراهم خواهد ساخت. علاوه بر پشتیبانی از نیرو های افراط گرایان اهل سنت در سوریه، ایالات متحده مخفیانه از طریق پایگاه نظامی اش در انجیرلیک در خاک ترکیه، سلاح و تأمین مالی برای شورشیان سوریه روانه می کند.

نیروهای مخالف رژیم سوریه به فرماندهی سرهنگ سوریه ریاض الاسد که جزء فراریان ارتش سوریه می باشد، از ماه می ۲۰۱۱ در خاک ترکیه به تمرینات نظامی پرداخته است.

منابع ویژه نظامی و خدمات اطلاعاتی به «دبکا فایل» (مجله اطلاعات نظامی اسرائیل) گزارش داده اند که نیروهای ویژه بریتانیایی و قطری برای نیروهای شورشی در حمص کمک هائی ارسال کرده اند. این کمک ها شامل جلیقه ضد گلوله، کامپیوتر قابل حمل، تلفن قابل حمل و خطوط اطلاعاتی که شورشیان از طریق آن می توانند از پشتیبانان خارجی شان درخواست امداد لوژیستیکی، اسلحه و سرباز مزدور نمایند، می باشد.

اگر چه انگلستان این اطلاعات را تأیید نکرده است، ولی امیر قطر، شیخ حمد بن خلیفه آل ثانی اخیرا پیشنهاد کرده است که برای جنگ علیه نیروهای بشار الاسد تعدادی قطعات مسلح به سوریه گسیل کند. پایگاه های نظامی در مجاورت مرز بین جنوب شرقی ترکیه و شمال سوریه به سکوی عادی ارسال تدارکات به خارج تبدیل شده است. هواپیماهای نظامی ناتو ولی در رنگ آمیزی هواپیماهای عادی (مترجم : که نوعی استتار به حساب می آید) مستقر در نزدیکی اسکندرون توسط خلبان های شورای ملی موقت لیبیا هدایت شده و سلاح هائی را که متعلق به انبارهای قذافی بوده به کار می برند.

عبدالحکیم الخویلدی بلحاج، رئیس قدیمی گروه مسلمانان اسلامی، مبارز افراطی که در شورش ناتو در طرابلس به فرمانده نظامی تبدیل شده بود، به کمک دولت ترکیه، شخصا عهده دار گسیل سربازان مزدور لیبیا به سوریه شده است.

در عین حال گویا که مهدی آل هراتی از مقامش به عنوان معاون ریاست شورای نظامی در طرابلس استعفاء داده است تا به نظارت امور در سوریه آزاد بپردازد.

نشریات سوریه در عین حال اعلام کردند که گروه های تروریست مسلح با سلاح های مدرن امریکائی و اسرائیلی در روستاهای اطراف دمشق به اعمال تروریستی کور و خشونت آمیز دست زده اند. این گروه های مسلح به انفجار بمب و ربودن افراد غیر نظامی دست زده اند.

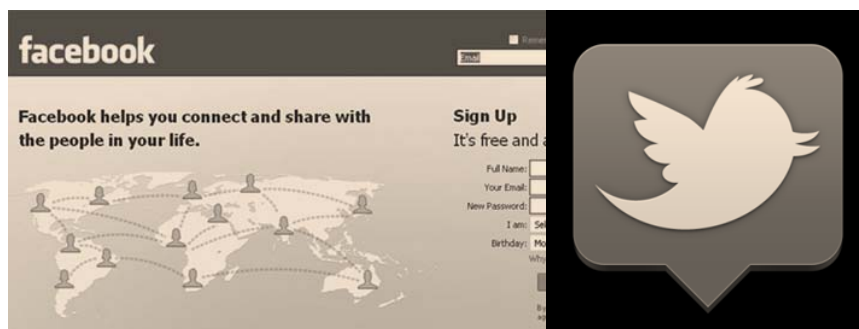
در حالی که ناتو و اتحادیه همکاری های خلیج دائما اعلام می کنند که بشار الاسد به کشتار جمعی غیر نظامیان بی سلاح مبادرت کرده است، ما باید بین گزارشاتی که از رسانه های رسمی سوریه منتشر می شود و گزارشاتی که از جبهه مخالف به گوش می رسد دقت کنیم و آنها را با یکدیگر مقایسه نماییم. به عنوان مثال، بیانیه های اخیر فرماندهی القاعده در عراق از ورود مبارزان عراقی به سوریه اظهار خشنودی نمود و به آنها توصیه کرد که از بمب های دست ساز استفاده کنند.

به شکل متناقضی، رئیس القاعده، ایمن محمد ربیع الطواهری، پس از وتوی ناامید کننده روسیه و چین در شورای امنیت، مسلمانان جهان عرب را فراخوانده تا برای پشتیبانی از ارتش آزاد سوریه بسیج شوند. کمتر پدیده ای می تواند به این اندازه پوچ باشد که گروه تروریستی القاعده – که تقریبا تمام رسانه های غربی آن را بربر دانسته و به همین شکل بازنمائی کرده اند – بتواند به سازمان ملل متحد تکیه نموده و مدعی شود که قادر به حل منازعه سوریه است. هدف واقعی القاعده و نقش آن در تعیین سیاست خارجی هرگز تا به این اندازه روشن نبوده است.

همانطور که متفقین و هم پیمانان آنها در خلیج اعلام کرده اند، مطمئنا بشار الاسد را به همان دلیلی که او گروه های تروریستی را متهم می داند و مدعی می شود که با پشتیبانی بیگانگان در سوریه آشوب به پا کرده اند و دست به اعمال خشنونت آمیز زده اند، همین دعاوی به زعم آنها، بی اعتباری و غیر قانونی بودن حکومت او را نشان می دهد. حتی اگر تلویزیون سوریه انبار سلاح های مصادره شده را نشان دهد و اعترافات تروریست ها را مبنی بر این

که چگونه سلاح هایشان را از خارج دریافت کرده اند به گوش همگان برساند، با این وجود ناتو و اتحادیه همکاری های خلیج قوانین و آئین نامه های خودشان را تهیه می کنند تا بشار الاسد را به ترک قدرت و ادار سازند. در رویارویی با اردوی تروریستی واقعی که توسط بیگانگان تأمین مالی شده است، اطلاعات ربایان سوریه به «سوریه لایو بلوگ» در بنگاه خبری الجزیره دست برد زده اند، که به شکل دائمی رویدادهای سوریه را منتشر می سازد. شبکه اطلاعات ربایان با صراحت تمام بنگاه الجزیره را به جعل خبر متهم دانسته و اعلام کرده اند که این گزارشات جعلی را به هدف تحریک مردم سوریه به شورش و در راستای اهداف واشینگتن و تل آویو منتشر می کند.

چگونگی تحریف خبری به مدد توئیتر و فیس بوک



با گفتن پر شور و حرارت سوزان رایس (سفیر ایالات متحده در سازمان ملل متحده از تاریخ ۲۲ جنوری ۲۰۰۹) که بشار الاسد را محکوم می کند - همان گونه که پیش از این قذافی را محکوم می کرد - ایالات متحده سعی می کند تا یک بار دیگر با تکیه به نظریه حق حفاظت مستقیمی علیه رژیم بشار الاسد وارد عمل شود. به موازات جنگ در لیبیا : منابع اطلاعاتی سازمان ملل متحد و برای اعلام رسمی شمار رسمی شگفت آور قربانیان، تنها به گزارشات گروه های مدافع حقوق بشر که توسط «بنیاد ملی برای دموکراسی» (۲) پشتیبانی شده بودند، دیوان بین المللی کیفری و شورای ملی سوریه منحصر بوده است. شمار رسمی تنها به اعتبار گزارشات سازمانی بوده که هویت آن ابهام آمیز به نظر می رسد و به نام دیدبانی حقوق بشر سوریه شناخته شده است که نه در خود سوریه بلکه در لندن مستقر می باشد، و به اساس گزارشاتی که کاملاً به گفته ها و شنیده های جمع آوری شده و فیلم های منتشر شده در یوتوب و پیغام های مبارزن توئیتری تکیه داشته است. در نتیجه گزارشات مجهول توسط دیدبانی حقوق بشر سوریه که هیچ دادگاهی آن را نخواهد پذیرفت، به هیچ عنوان نباید در اساس قطعنامه های سازمان ملل متحد به عنوان پرونده معتبر مورد بررسی و داوری قرار گیرد. رئیس دیدبانی رامی عبدالرحمان مستقیمی با وزارت امور خارجه بریتانیا ویلیام هاگ هم کاری می کند و به جز مناسباتش با شبکه های جوامع مدنی که توسط شرکت های خصوصی و بنیادها تأمین مالی می شود، هیچ اعتبار دیگری ندارد. ادعائی که نیروهای بشار الاسد را به کشتار تعداد زیادی نوزاد متهم می داند، چیزی نیست به جز محصول بنیاد خدمات مدنی بریتانیائی.



هیچ امری جنگ دائمی رسانه ها در سوریه را روشن تر از گزارشات دیدبانی اتحادیه عرب نشان نمی دهد. این موضوع را، پس از این که قطر، یعنی تنها کشوری که در کمیته وزرای اتحادیه عرب به محتوای آن اعتراض کرده، کاملاً در رسانه ها ندیده گرفته اند.

در گزارش به شکل انکار ناپذیری نوشته شده است که دولت سوریه به روی گروه هائی که در اشکال صلح آمیز در تظاهرات شرکت می کنند، تیراندازی نکرده است. علاوه بر این گزارش آنها مسؤلیت بمب گذاری علیه اتوبوس های شهری، قطار حمل دیزل، اتوبوس پولیس، پل و لوله های گاز را به عهده گروه های مسلح دانسته است.

طی مصاحبه ای، دیدبان اتحادیه عرب، احمد منائی از وتوی روسیه و چین در شورای امنیت و به همین ترتیب از اصلاحات دولت سوریه اظهار خشنودی کرد، و گفت: «اتحادیه عرب به دلیل مسکوت گذاردن مأموریت دیدبانی اش و رویگرداندن از فراخوان شورای امنیت، کاملاً بی اعتبار شده است. اتحادیه عرب در حل مسأله سوریه شرکت نکرد، در نتیجه از این پس هر پیشنهادی که در آینده مطرح کند، بی ارزش خواهد بود.»

همان طور که می توانستیم حدس بزنیم، گزارش مقدماتی در مأموریت دیدبانی در رسانه ها منتشر نشد و احتمالاً به دلیل تباین آن با خطوط رسمی قدرت های غربی و خلیج، بی ارزش قلمداد شد، و به همین علت رئیس هیأت دیدبانی در اتحادیه عرب، محمد آل دابی رسماً استعفاء داد:

«دیگر نمی توانم در چهارچوب اتحادیه عرب کار کنم. من وظایفم را با درستکاری تمام و شفافیت انجام دادم، ولی دیگر نمی خواهم این جا کارکنم زیرا وضعیت به انحراف کشیده شده است.»

سازمان ملل متحد و اتحادیه عرب در حال حاضر به سوی آن چیزی بازگشته اند که در آغاز مأموریت مشترک برای دیدبانی بود و امروز آن را مأموریت صلح نامیده اند.

اتحادیه عرب به همکاری عربستان سعودی در پی تهیه قطعنامه ای مشابه قطعنامه اول برای راه اندازی مأموریت صلح مسلح است که آن را به سازمان ملل متحد تحویل دهد. این قطعنامه خیلی مشابه تهدیداتی است که مداخله در لیبیا را فراهم ساخت، قطعنامه تازه بر آن است تا بشار الاسد را به دلیل اعمال خشنوت علیه تظاهرات صلح آمیز مردم، کنار بزند تا در ظاهر انتقال قدرت به شکل دموکراتیک انجام گیرد. انتظار می رود که این قطعنامه نیز دوباره مورد پذیرش روس ها و چینی ها قرار نگیرد. معاون وزیر امور خارجه روسیه، ژنادی گاتیلوو اعلام کرده است که پرونده «طرح قطعنامه فاقد تعادل بوده است.»



منازعه در سوریه اختلافات جنگ سرد دراز مدت را بین قدرت های جهانی از پرده بیرون انداخت. وتوی چین و روسیه علیه قطعنامه برای مداخله، مانع قدرت های غربی برای تجاوز آشکار شد، یعنی تجاوز به همان شکلی که ناتو در لیبیا به اجراء گذاشته بود. ولی به نظر می رسد که بی ثبات سازی رژیم بشار الاسد توسط گروه های سرّی انجام می گیرد که تشکیل شده از سربازان مزدور بوده و برای ارتکاب به اعمال تروریستی کور، مانند بمب گذاری از نوع دست ساز مصمم هستند.

روسیه و چین با درس هائی که از رویدادهای لیبیا آموختند، گزارشات شورای حقوق بشر در سازمان ملل متحد را (که توسط کارن کونینگ ابو زاید (۳)، معاون یک اتاق فکری خصوصی مستقر در واشینگتن، مشاورت برای خاور میانه(۴) به رشته تحریر درآمده) فاقد ارزش معتبر می دانند. مردم عادی قربانی شبه نظامیان مسلحی هستند که در مناطق مسکونی علیه ارتش سوریه می جنگند.

در یک مصاحبه، ژنرال لئونید ایواچوف، فرمانده اسبق مرکز فرماندهی، اطمینان داد که روسی هاز ایران و سوریه و تمام جهان در رویارویی با فاشیسم امریکائی پشتیبانی خواهد کرد.

برای پشتیبانی از دولت سوریه، روسیه نیروی دریائی چشم گیری را به منطقه گسیل داشته و چین نیز به سهم خود علیه تهاجماتی که سوریه را هدف گرفته است اخطار داد.

تناقض بزرگ در این جا نهفته است که ناسزاوارترین کشورها به خودشان اجازه می دهند که در صحنه بین المللی اصول و قواعد حقوق بشر را به دیگران بیاموزند.

هیلری کلینتن بی هیچ تردیدی با اشاره به وتوی چین و روسیه اعلام کرد: «آن چه دیروز در سازمان ملل متحد روی داد یک مسخره بازی بیش نیست». هیلری کلینتن سپس در خواست کرد که بین کشورهای برگزیده غربی که در این جنگ ذینفع هستند و رژیم های سلطنتی مطلقه و هابی در خلیج فارس که به شکل مضحکی «دوستان سوریه» نامیده شده اند، اتحادیه بین المللی تشکیل گردد.

فراخوان های بین المللی که خواهان اجتناب از خشونت بودند به هیچ عنوان تأثیری روی شورای همکاری خلیج و اقدامات خشونت بار آن علیه شیعیان بحرین نداشت.

اما پدیده باورنکردنی، عربستان سعودی است که عهده دار گفت و گو پیرامون ارتقاء حقوق بشر و دموکراسی شده است.

در واقع این کشور همان کشوری است که شاید بتوانیم آن را متحجرترین تنوکراسی فئودال در جهان بدانیم، هر گونه حزب سیاسی و انتخابات ملی را ممنوع کرده و از دین برگشتگان را گردن می زند.

شبکه ایرانی «پرس تی وی» گزارشاتی درباره طرح امریکا در سوریه منتشر کرده است. در پرونده مستند، فراخوان روی بازشناسی «شورای ملی سوریه» به عنوان دولت قانونی تمرکز داشته و خواهان پذیرش استقرار آن در ترکیه شده تا امکان تداوم کار علیه رژیم اسد تحت چنین شرایطی فراهم آید. واشینگتن مأموریت گسیل قطعات نظامی به سوریه را برای تسلیح نیروهای مخالف به ترکیه و اگذار خواهد کرد و این طرح با ورود مبارزان وهابی و سربازان مزدور لیبیا تکمیل خواهد شد.

موضوع نگران کننده ای که در این مستند مشخصا مطرح گردیده، اسرائیل است که در این طرح، برای اجرای عملیات نظامی علیه سوریه وارد کارزار خواهد شد.

و اگر رژیم سرنگون نشد، در این صورت: شبکه های تلویزیون رسمی سوریه ویران خواهد شد و بشار الاسد نیز به قتل خواهد رسید. با توجه به شیوه ای که اخیرا دیگر دشمنان غرب به قتل رسیدند، طرح واقعه ای که توسط «پرس تی وی» ترسیم شده بود، جای شگفتی نداشت.

وهابی های خلیج فارس ابزارهای خشونت امریکا هستند که تلاش می کنند تا بر فرقه شیعه علوی که توسط سوریه و ایران پشتیبانی می شوند تسلط یابند، ولی در عین حال در پی تضمین جایگاهشان به عنوان قدرت منطقه ای هستند.

امور داخلی سوریه تأثیر اندکی روی قدرت هائی دارد که سعی می کنند رژیم بشار الاسد را سرنگون کنند. اولویت اصلی مبنی بر هر چه بیشتر منزوی ساختن ایران با حذف متحدان آن یعنی شیعیان علوی در دمشق است. اسرائیل منافع قابل ملاحظه ای در سرنگونی رژیم بشار الاسد برای خود می بیند، زیرا شورای ملی سوریه اطمینان داده است که تمام روابط را با ایران متوقف سازد و از ارسال اسلحه برای حزب الله و حماس جلوگیری نماید.

اگر دولت سوریه سقوط کند و ایران مستقیما مورد تهدید قرار گیرد، خطر بالا گرفتن جنگ منطقه ای، در صورتی که چین و روسیه برای دفاع از ایران مداخله کنند، به شکل فوق العاده جدی خواهد شد.

چنین جنگی می تواند نتایج زیان باری برای اقتصاد جهانی داشته و در سراسر بحران مالی و تورم قرار خواهد گرفت. ویلیام هاگ و سرمایه داران مالی میلیاردی که از گروه های جامعه مدنی دفاع کرده و برای بازیگران صحنه خشونت آمیز مخالفان قانونیت قائل هستند، نمایندگان مردم سوریه نیستند.

اگر چه اصلاحات به کندی انجام گرفته، ولی دولت بشار الاسد در حال پیاده کردن طرح تازه برای قانون اساسی می باشد. و بر این اساس، قدرت حاکم سوریه پاسخ انتقادات قدرت هائی را داد که مدعی دفاع از مردم سوریه هستند.

سوء قصد به جان بشار الاسد نتایج مشابه به قتل آرشیووک فرانسوا فردیناند خواهد داشت (مترجم: یعنی قتل فرانسوا فردیناند جرقه ای بود که آتش جنگ جهانی اول را به پا کرد).

از آن جایی که شورای ملی سوریه برای برقرار ساختن منطقه ممنوعه پرواز در آسمان سوریه درخواست کرده است، اعضای جامعه بین الملل که هنوز حسن نیتی برایشان باقی مانده باید دقت عمل به خرج دهند تا از بالا گرفتن منازعه جلوگیری کنند.

گاهنامه هنر و مبارزه

۱۶ مارچ ۲۰۱۲

Mondialisation.ca, Le 12 mars 2012

مرکز مطالعات جهانی سازی ۱۲ مارس ۲۰۱۲

Nile Bowie

nilebowie.blogspot.com ,

پی نوشت :

- 1) PNAC . Project for the New American Century
- 2) National Endowment for Democracy
- 3) Karen Koning AbuZayd
- 4) Middle East Policy Council

منبع :

<http://www.mondialisation.ca/index.php?context=va&aid=29722>